

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۲۸، زمستان ۱۳۹۵، ویژه علوم اجتماعی

بازی و تربیت کودک

(نگاهی اسلامی به تربیت کودک از طریق بازی)

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۹/۲۷

تاریخ تأیید: ۹۵/۱۱/۱۲

محدثه یوسفی*

چکیده

مسئله تربیت کودک از دیرباز جزء موضوعات اساسی و بنیادی در محافل علمی بوده است چرا که شالوده و سنگ بنای یک جامعه سالم، بالنده و پویا با تعلیم و تربیت درست شکل می‌گیرد. از این رو سلامت و بقای جامعه وابسته به تربیت شایسته کودکان برای یک زندگی سعادت‌مند و موفق است.

مسئله تربیت در اسلام آن‌چنان از اهمیت برخوردار است که یکی از حقوق فرزند بر گردن والدین را پرورش و تربیت صحیح او می‌داند و برای تعلیم و تربیت کودک برنامه‌ای جامع و هماهنگ با فطرت او قرار داده است. حال سوال اینجاست که برای این تربیت صحیح اسلام چه ساز و کاری را پیشنهاد می‌کند؟

در این نوشته تلاش شده است با بررسی اصول و مبانی تعلیم تربیت و نظریات بازی از دیدگاه اندیشمندان، به اصول حاکم بر تربیت کودک و چستی بازی کودکان دست یابد. در پایان از تناظر اصول تربیت و بازی کودکان، نتیجه می‌گیرد که از نظر اسلام، بازی بهترین مکانیسم تربیت کودک است و مجهز به ویژگی‌های تربیتی نظیر شکل دهنده هویت و شخصیت کودک، هدایت شده و هدفمند، آزاد، پرورش دهنده خلاقیت، خردورز و تناسب‌گر است که کودک را در جهت ظهور عواطف و احساسات، توانایی‌ها و استعدادها، حفظ کرامت، شناخت و افزایش آگاهی و معرفت کودک و رشد فردی و اجتماعی او یاری می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: بازی کودک، تربیت کودک، آموزه‌های اسلامی.

* دانش‌آموخته ارشد رشته تبلیغ و ارتباطات فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم (ع).

مقدمه

امام صادق علیه السلام: «إِنْ أُجِلَّتْ فِي عَمْرِكَ يَوْمَيْنِ فَاجْعَلْ أَحَدَهُمَا لِأَدَبِكَ لِتَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى

يَوْمِ مِتِّكَ»

«اگر از عمرت تنها دو روز باقی باشد یک روز از آن را به فراگیری ادب و تربیت اختصاص بده تا روز مرگت از سرمایه‌های اخلاقی روز قبل یاری بخواهی.» (کلینی، ۱۳۶۴: ۲۳۰)

یکی از اساسی‌ترین مسائلی که امروزه در محافل علمی و آموزشی جهان مطرح است، مسئله تربیت و پرورش انسان‌هاست. سال‌های اولیه عمر هر فرد که بدون شک مهم‌ترین و مؤثرترین دوران زندگی او بشمار می‌رود، سال‌های شکل‌گیری شخصیت انسان است. از آنجا که همه معلومات، عادت‌ها و ویژگی‌های اخلاقی به‌دست‌آمده در این سال‌ها ریشه‌دار و محکم در روح فرد باقی می‌ماند و بنای اصلی شخصیت و چارچوب وجودی او را در بزرگسالی تشکیل می‌دهد، توجه همه جانبه به تربیت و رشد انسان در دوران کودکی ضروری می‌باشد. در گذشته چنین می‌پنداشتند که کودک در سنین طفولیت فقط نیاز به توجه و مراقبت جسمانی دارد اما امروزه این حقیقت به تجربه آشکار گردیده است که کودک در تمام مراحل رشد و بلوغ، نه‌تنها نیازمند توجه و مراقبت جسمانی است بلکه در توانایی‌های احساسی، ادراکی، تخیلی و ذهنی و در مهارت‌های کلامی و بدنی، نیاز مبرمی به راهنمایی‌های آگاهانه و علمی دارد.

کودک به دلیل اشتغالات ذهنی کمتر، از لحاظ روانی و ذهنی آمادگی بالایی برای دریافت تعالیم و مفاهیم دارد و در این دوران شخصیت او بسیار انعطاف‌پذیر است لذا استعداد هرگونه تربیتی دارد و هر آنچه در این دوران دریافت می‌کند، ریشه‌دار و محکم در

وجودش باقی می‌ماند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «آنچه کودک نارس به ذهن می‌سپارد مانند نقشی است بر سنگ که می‌تراشد و آنچه مرد بزرگسال به ذهن می‌سپارد مانند نوشتن بر آب است.» (پاینده، ۱۳۷۴: ۴۴۵)

با این مقدمه باید گفت، اهمیت و ضرورت تربیت در دوران کودکی بر کسی پوشیده نیست و همه مکاتب و گروه‌ها بر این امر مهم تأکید دارند. از آنجا که تربیت صحیح کودکان و فرزندان در سازندگی جامعه و تداوم و بقای حیات معنوی آن نقش اساسی دارد، اسلام نیز موضوع تربیت همه جانبه در دوران کودکی را جزء مسائل اساسی و بنیادی قرار داده است. حال سوال اصلی این است که مکانیزم تربیتی اسلام برای کودکان چیست؟ و با استفاده از چه روشی می‌توان تربیت همه جانبه‌ای برای کودک رقم زد؟

در روایات بسیاری از سیره اهل بیت، بازی مهم‌ترین عامل در تربیت کودک برشمرده شده است. در حدیثی از امام علی علیه السلام می‌خوانیم: «هر کسی که کودکی دارد، باید خود را تا سرحد طفولیت تنزل دهد و با وی بازی و تفریح کند.» (حرعاملی، ۱۳۷۳: ۱۵) از این رو باید گفت بهترین سازو کار تربیت کودک از دیدگاه اسلام، بازی است.

این نشوونده تلاش می‌کند با تبیین اصول حاکم بر تربیت کودک از دیدگاه اسلام و تبیین بازی کودک مطابق با آموزه‌های دینی، نقش تربیتی بازی برای کودکان را در چهار بعد شناختی، عاطفی، رفتاری و جسمی تشریح کند.

پیشینه تحقیق

از میان پژوهش‌هایی که در خصوص تربیت کودک و بازی کودک در مجلات و سایت‌های علمی معتبر می‌توان یافت، تعدادی از مقالات به تاثیرات تربیتی بازی کودکان پرداخته‌اند. در ادامه به اختصار تعدادی از آنها را معرفی می‌نماییم.

۱. بررسی نقش بازی در تربیت کودک از دیدگاه قرآن و سنت معصومین / سعید بهشتی و یگانه منطقی / مجله اندیشه‌های نوین تربیتی / دوره ۷ / شماره ۳ / ۱۳۹۰
محققان در این پژوهش به بررسی انواع تأثیرات جسمی، روحی و اخلاقی بازی بر تربیت کودکان از دیدگاه قرآن و روایات معصومین پرداخته و معتقدند اگر بخواهیم جامعه‌ای سالم داشته باشیم و همه افراد از سلامت جسم و روح برخوردار باشند، باید به کودکان فرصت دهیم از راه انواع بازی‌ها بر قدرت و سلامت خود بیافزایند. در این مقاله به تفصیل برای هر یک از موارد تربیتی بازی، حدیث یا روایتی ذکر شده است.

در این پژوهش از ارجاعات احادیث و سیره اهل بیت در مقاله بالا استفاده شده است.

۲. کودکان و ارزش‌های سازنده بازی / محمدرضا مطهری / مجله پیام زن / فروردین ۸۱ / شماره ۱۲۱ / ص ۱۰۶

بدون تردید می‌توان گفت که بازی بهترین شکل فعالیت طبیعی هر کودک محسوب می‌شود و در زندگی کودک دارای اهمیت خاصی است، بازی برای هر کودک در حال رشد از ارزش‌های مختلفی برخوردار است.

همه نظریه‌پردازان، صرف نظر از گرایش‌های گوناگونی که دارند، بر این عقیده‌اند که بازی نقش مهمی در رشد و تکامل کودک ایفا می‌کند. در اینجا نویسنده به معرفی پنج ارزش اجتماعی، جسمانی، اخلاقی، عقلانی و درمانی برای بازی کودکان می‌پردازد.

این مقاله در بررسی نقش‌های گوناگون بازی کودکان، همچون نقش اجتماعی، جسمانی، اخلاقی و... در پژوهش حاضر استفاده شده است.

۳. یادگیری از طریق بازی / مهنوش اکبری / مجله پیام زن / آبان ۸۸ / شماره ۲۱۲ / ص ۴۴

اصطلاح تعلیم و تربیت زود هنگام، اصطلاحی است که غالباً برای تعلیم و تربیت کودکان از ابتدای تولد تا هشت سالگی به کار می‌رود. از آنجا که کودکان ما نیازمند تعلیم

و تربیتی هستند که توانایی‌های لازم را برای یادگیری مهارت‌ها و دانش جدید در آن‌ها پایه‌گذاری کند و این آموزش‌ها بیشتر بر پایه بازی صورت می‌گیرد، نویسنده این مقاله تلاش می‌کند تا مباحث خود را پیرامون بازی و اثرات آن در کودکان بیان کند.

حوزه‌های اثرگذاری بازی کودکان در رشد و تربیت آنها یکی از موضوعاتی است که تحقیق حاضر را به بهره‌گرفتن از این مقاله رهنمون می‌کند.

۴. انواع بازی‌ها و نقش آن‌ها در رشد شخصیت کودک/محمد رضا مطهری/ پیام زن/شهریور ۸۰/ش ۱۴۱/ص ۸۴

بازی‌ها با توجه به محتوای آن‌ها و تمایلات و گرایش‌های کودک که نشأت گرفته از اوضاع و احوال درونی اوست و بر اساس نگرش و دیدگاهی که نظریه‌پردازان روان‌شناسی نسبت به کودک دارند به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند. در بین بازی‌ها، بازی‌های تقلیدی، نمایشی، نمادی، و تخیلی اهمیت زیادی در شناخت و بررسی وضعیت روحی، روانی و درمانی کودک دارند، و کودکان هم تمایل بیشتری به این بازی‌ها دارند. لذا نویسنده این مقاله اولویت را به بررسی و بیان این بازی‌ها داده است.

در این پژوهش برای شناخت تعریف و نحوه اثرگذاری بازی‌های کودکان به مقاله بالا مراجعه شده است.

مفهوم شناسی

۱. تربیت

تربیت در لغت، به معنی پروردن، پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن، و نیز به معنی پرورش بدن به وسیله انواع ورزش است. (برومند، ۱۳۸۰: ۱۰) معنی عام تربیت، پروراندن هر چیزی است به نحوی که شایسته آن است، و این معنا شامل جمادات، گیاهان، حیوانات و انسان‌ها می‌شود و نیز در مورد پرورش جسم و روح به کار می‌رود.

راغب اصفهانی ریشه واژه تربیت را «رَبَّوْ» به معنای فزونی و نمو و رشد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۳۴۰) می‌داند و در تعریف واژه رب می‌نویسد: «رب در اصل به معنای تربیت است که به معنای ایجاد چیزی به صورت تدریجی تا رسیدن آن به حد و کمال نهایی می‌باشد.» (همان: ۳۳۶) شهید مطهری نیز تربیت را به معنی «پرورش دادن و استعداد‌های درونی بالقوه را به فعلیت رساندن» می‌داند. (مطهری، ۱۳۷۳: ۵۷)

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مراحل تربیت انسان را به سه دوره تقسیم می‌کند: (طهماسبی، ۱۳۹۲: ۱۶-۲۰)

۱. هفت سال اول که کودک سید و آقاست. باید دانست که پنج سال اول زندگی در پایه‌گذاری شخصیت کودک بسیار مهم است و حدوداً ۷۰ درصد شخصیت او در این سن پایه‌گذاری می‌شود. این دوره سنی، دوره بازی و خوشی کودک است و دارای دو ویژگی مهم است: ۱. میل شدید به بازی و ۲. فرماندهی و اداره دیگران. توجه به این نکته لازم است که منظور از آزاد گذاشتن کودک در این دوره سنی به معنی اجازه دادن به او برای اعمال مخاطره‌آمیز و خلاف ادب و بی‌تفاوتی نسبت به رفتارهای نادرست او نیست، بلکه باید او را رها گذاشت تا بازی کند و از این طریق به رشد برسد.

۲. هفت سال دوم که کودک بنده و فرمان‌بردار است. این دوره را می‌توان دوران آموزش و تأدیب نامید. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هفت سال دوم را سن پیروی و فرمان‌برداری می‌داند (حرعاملی، همان: ۱۲۵) و امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «فرزند خود را در هفت سال دوم با آداب و روش‌های لازم و مفید تربیت کنید.» (ابن ابی‌الحدید، بی‌تا: ۹۳۷) از ویژگی‌های مهم این دوره می‌توان ادب‌پذیری، آموزش‌پذیری و گرایش به مباحث اعتقادی را نام برد.

۳. هفت سال سوم که نوجوان مسئول و مشاور است. این دوره وقت تمرین و عمل به آموخته‌هاست. بنابراین نیاز به هدایت و راهنمایی در این دوران به اوج خود

می‌رسد. از ویژگی‌های این دوره، گرایش به درستکاری، شایستگی مشورت و رشد احساسات است. بنابراین تربیت از نگاه اسلامی؛ به فعلیت رساندن قوای انسان و استعداد‌های او و ایجاد تعادل و هماهنگی در آن‌ها در جهت رسیدن به کمال مطلوب است. به عبارت دیگر، تربیت متخلق شدن به اخلاق الهی و مؤدب شدن به آداب الله است، از نظر اسلام ابتدا باید انسان و ابعاد وجودی و نیروها و استعداد‌های او را در هر دوره سنی شناخت و آنگاه برای شکوفایی و رشد و نمو آن در جهت الهی - یعنی تربیت - تلاش کرد.

۲. بازی

نظریه‌پردازان قرن‌هاست تلاش می‌کنند تا اهمیت بازی و تأثیرات آن در رشد کودک را به اثبات برسانند. هرچند در این زمینه اتفاق نظر وجود ندارد اما از فلاسفه یونان قدیم گرفته تا آرای فلاسفه قرن نوزدهم و بیستم، بر اهمیت و نقش بازی در رشد و تربیت کودک تأکید دارند. در فرهنگ بزرگ و بستر^۱ بازی به صورت‌های ذیل تعریف شده است:

الف) حرکت، جنبش، فعالیت به‌مثابه حرکت عضلات

ب) آزادی یا محدوده‌ای برای حرکت یا جنبش

ج) فعالیت یا تمرین برای سرگرمی، تفریحی یا ورزشی (احمدوند، ۱۳۸۸: ۲)

گروس با توجه به نظریه‌ی عملی‌گریزی و سن بازی، عقیده دارد که بازی نوعی آمادگی کودک برای فعالیت‌هایی است که باید در آینده به عهده گیرد. (مهجور، ۱۳۷۲:

ارسطو نیز عقیده دارد، در بازی نیروی نهفته شده که باعث می‌شود روان و سرشت آدمی از خواسته‌های ناپسند و امیال و احساسات نامطلوب پاک شود. یعنی بازی، می‌تواند بخشی از عواطف خطرناک و ناخوشایند آدمی را پالایش دهد.

هویزینگا بازی را این‌گونه تعریف می‌کند: «فعالیت یا اشتغالی داوطلبانه که در محدوده‌های ثابت زمان و مکان، مطابق با قواعدی که آزادانه پذیرفته شده اما مطلقاً الزام‌آور نیستند، با هدفی در خود انجام شده و با احساس تنش، لذت و آگاهی از متفاوت بودن آن با زندگی روزمره همراه است.» (کوثری، ۱۳۸۹: ۱۰-۱۱)

آنچه در تعریف بازی میان نظریات اندیشمندان مشترک به نظر می‌رسد توجه به داوطلبانه و آزادانه بودن این فعالیت و تأثیری است که در مسیر رشد و شناخت کودک برای آینده دارد.

۳. ادبیات نظری

دو مفهوم تربیت و بازی، مفاهیم اصلی ما در این پژوهش اند. بنابراین در این بخش ابتدا نظریه‌های تعلیم و تربیت و سپس نظریه بازی از دیدگاه اندیشمندان تبیین می‌شود.

۳-۱ اصول و نظریه‌های تعلیم و تربیت^۱

نظریات مربیان بزرگ تعلیم و تربیت درباره مفهوم و مبانی تعلیم و تربیت، هدف‌های تربیت و روش‌های آن، همواره بنیان و اساس کار متولیان امر تربیت کودک را تشکیل داده است. فیلیپ اسمیت استاد نگارنده اصول تعلیم و تربیت، نظریات دقیقی را در این

۱. این بخش به صورت تلخیص از کتاب اصول تعلیم و تربیت دکتر علی شریعتمداری نگارش شده است. (علی شریعتمداری، اصول تعلیم و تربیت، چاپ بیست و سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲، صص ۲۳-۸۰)

خصوص بیان کرده که مقدمه کار سایر محققان همچون جان دیویی و همکارانش بوده است. ما در این بخش به معرفی نظریات این دانشمندان می‌پردازیم.

۳-۱- اصول تعلیم و تربیت از نظر اسمیت (شریعتمداری، ۱۳۹۲: ۳۱-۵۰)

اسمیت استاد اصول و فلسفه تعلیم و تربیت در دانشگاه آمریکا است. از نظر او اصول یعنی راهنمای فکری در حل مسائل بدین معنا که مربی از لحاظ فکری باید شامل چه خصوصیتی باشد تا بتواند مسائل تربیتی را به طور صحیح و علمی حل کند. پیشنهاد اسمیت برای یک مربی دارا بودن ذهن فلسفی یا تفکر صحیح علمی است. او برای تفکر فلسفی سه بعد جامعیت، تعمق و قابلیت را مطرح می‌کند.

اسمیت معتقد است انسانی که دارای ذهن فلسفی درست و دقیقی است در تمام افکار و قضاوت‌های خود سه خصوصیت جامعیت، تعمق و انعطاف را ظاهر می‌سازد. او جامعیت را شامل به کار بردن قوه تعمیم، توجه به جنبه‌های نظری، توجه به اهداف دور و مشاهده امور خاص؛ تعمق را شامل کشف امور اساسی در هر موقعیت، توجه به جنبه‌های اساسی، قضاوت به روش فرضیه‌ای-قیاسی و انعطاف را شامل رهایی از جمود روانی، توجه همه‌جانبه به مسائل و ارزش سنجی افکار بدون توجه به منابع آن‌ها می‌داند.

بنابراین از نظر اسمیت اساسی‌ترین اصل تعلیم و تربیت، پرورش ذهن خلاق و فلسفی است و وظیفه اصلی یک مربی برای تربیت کودک، تلاش در جهت پرورش تفکر فلسفی در ذهن او است تا او بتواند در تمام تصمیمات با توجه به این سه بعد عمل کند.

۳-۱-۲ اصول تعلیم و تربیت از نظر دیویی (شریعتمداری، ۱۳۹۲: ۵۱-۸۰)

جان دیویی در کتاب «تجربه و تعلیم و تربیت» با بررسی تعلیم و تربیت قدیم در مقابل تعلیم و تربیت مترقی به معرفی اصول مدنظر خود می‌پردازد. اصول مورد نظر او شامل:

اصل ادامه یا پیوستگی

اصل ادامه متکی بر عادات است. جان دیویی معتقد است عادت تغییری در فرد به وجود می‌آورد و این تغییر در کیفیت تجربیات بعدی فرد و حساسیت و عکس‌العمل او در شرایط مختلف و برخورد با مشکلات زندگی تأثیر بسزایی دارد.

از نظر دیویی اصل ادامه یا پیوستگی تجربه بدین معناست که هر تجربه جدیدی که شکل می‌گیرد، چیزی از تجربیات گذشته اخذ می‌کند و به نحوی در تجربیات آینده اثر می‌گذارد و روی همین اصل است که جان دیویی گاهی تعلیم و تربیت یا جریان تربیتی را عین رشد می‌داند. رشد کردن در جنبه‌های بدنی، عقلانی و اخلاقی، تجسم مثالی از اصل ادامه است.

هدف‌های معنوی و عقلانی گسترده مثل تقوا و پرورش قدرت عقلانی هم به فعالیت‌های معلم و شاگرد جهت می‌دهند و هم رشد را محدود نمی‌سازند. فرض کنیم در رشد عقلی جهت رشد را حرکت به سوی روح علمی قرار دهیم، چون روح علمی و طرز تفکر علمی، خود امری رشد کننده و تکامل‌پذیر است، بنابراین نه تنها این جهت رشد عمومی را محدود نمی‌سازد، بلکه موجبات رشد بیشتری را نیز فراهم می‌کند.

اصل ادامه تجربه در تمام موارد صدق می‌کند. یعنی هر تجربه‌ای چیزی از گذشته اخذ می‌کند و به نحوی در تجربیات آینده تأثیر دارد. در این زمینه باید متوجه بود که استعداد هر یک از شاگردان با استعدادهای دیگران متفاوت است و ادامه رشد تجربی هر فرد باید متناسب با وضع خود او باشد.

اصل تأثیر متقابل

اصل تأثیر متقابل، رابطه دو عامل شرایط عینی و خارجی و شرایط درونی فرد را روشن می‌سازد. این دو عامل باهم، یا تأثیر متقابل آن‌ها در یکدیگر، موقعیت را تشکیل

می‌دهند. وقتی گفته شود فرد در دنیا زندگی می‌کند، منظور این است که او در یک سلسله از موقعیت‌ها قرار دارد. باید توجه داشت که بودن در یک سلسله از موقعیت‌ها یعنی جریان تأثیر متقابل میان فرد و اشیا و اشخاص. محیط از شرایطی تشکیل می‌شود که روی احتیاجات شخصی، تمایلات، هدف‌ها و استعدادهای فرد در به وجود آوردن تجربه تأثیر دارد.

وضع فرد و شرایط خارجی، هردو، عامل مهمی در تجربه هستند. شرایط خارجی شامل آنچه مربی انجام می‌دهد، روشی که در اجرای امور بکار می‌برد، طرز برخورد و صحبت کردن او، اسباب، کتب، دستگاه‌ها و موادی که فرد با آن‌ها کار می‌کند و مهم‌تر از همه وضع اجتماعی موقعیتی است که فرد در آن فعالیت می‌کند. بنابراین مربی می‌تواند شرایط خارجی را تنظیم کند، بدین معنا که او می‌تواند محیط کار را که روی استعداد و احتیاجات فرد تأثیر دارد طوری ترتیب دهد که از لحاظ تربیتی تجربیات مفیدی به وجود آورد.

اصل مربوط به کنترل اجتماعی

در مراحل مختلف حیات، افراد انسان، تحت کنترل اجتماعی قرار دارند. مثلاً بچه‌ها در موقعیت بازی تحت کنترل اجتماعی واقع می‌شوند. بازی‌ها معمولاً تابع قوانینی هستند و این قوانین، رفتار بچه‌ها را منظم می‌سازند.

تعلیم و تربیت یک جریان اجتماعی است. هرچه حالت جمعی بیشتر تحقق پیدا کند کیفیت کار معلم و شاگردان ارزش تربیتی بهتری خواهد داشت. در حالت جمعی باید آداب متناسب و صحیح را رعایت کرد و در عین حال آزادی افراد را تا آنجا که عقل سلیم حاکم بر اعمال آن‌هاست مورد احترام قرار داد.

این حقیقت که هر فردی در جامعه تا حد زیادی تحت کنترل اجتماعی است و اینکه این کنترل به طور محسوس آزادی شخص را محدود نمی‌سازد قابل انکار نیست.

اصل مربوط به آزادی

به نظر جان دیوئی، تنها آزادی، آزادی عقل است. آزادی عقل وقتی تحقق پیدا می‌کند که فرد بتواند قضایای مختلف را مورد مشاهده و بررسی دقیق قرار دهد، هدف‌های اساسی و با ارزش برای خود انتخاب کند و با استفاده از وسائل مقتضی برای نیل به هدف‌های خود اقدام نماید.

آزاد گذاردن بچه‌ها در سلامت و تقویت روحیه آن‌ها مؤثر است. ولی باید توجه داشت که هیچ یک از این‌ها آزادی خود به خود و فی نفسه مطلوب نیست. تنها آزادی، آزادی عقل است که فرد باید از روی سنجش و فکر برای خود هدفی انتخاب کند، عاقلانه قضاوت نماید، تمایلات خود را با توجه به نتایج آنها ارزش سنجی کند، وسایل مقتضی تهیه نماید و برای نیل به هدف خود اقدام کند.

اصل مربوط به هدف

آزادی با تعیین هدف و به معرض اجرا در آوردن آن ارتباط نزدیک دارد. به نظر جان دیوئی، یک هدف صحیح، ابتدا به صورت محرک درونی ظاهر می‌گردد. ممانعت در اجرای فوری این محرک، آن را به صورت تمایل در می‌آورد، ولی نه محرک درونی و نه تمایل، هیچ کدام هدف نیستند. هدف به منزله یک نقطه نظر نهایی است یعنی متضمن پیش‌بینی نتایجی است که در اثر اجرای محرک درونی ظاهر می‌گردد و پیش‌بینی نتایج، کار عقل و خرد است.

توجه به محرکات درونی شاگردان برای مربیان ضروری است ولی باید این تمایلات را هدایت کرد و تحت کنترل عقل در آورد. از لحاظ تربیتی پیدایش و ظهور میل یا محرک درونی، هدف نهایی را تشکیل نمی‌دهد ولی بروز میل، باعث تهیه نقشه و روش کار می‌شود و این نقشه مستلزم مشاهده و بررسی شرایط خارجی و استفاده از تجربیات و اطلاعات قبلی است.

۲-۴ نظریه بازی از دیدگاه اندیشمندان

تنوع و گستردگی نظریه‌های مطرح در خصوص بازی کودکان سبب شده تا گروهی از محققان به طبقه بندی نظریات بپردازند. گیل مور (۱۹۶۶) در یک دسته بندی دقیق نظریه‌های مهم و معتبر بازی را در دو دسته قرار می‌دهد: (عسکری زاده، ۱۳۹۰: ۳۳)

نظریه‌های کلاسیک: این دسته از نظریه‌ها متأثر از فرضیه تکامل‌اند و علل بازی کودکان را مورد نظر قرار داده‌اند. مانند نظریه انرژی مازاد، نظریه پیش تمرین و...
نظریه انرژی مازاد: بر اساس این نظریه بازی انرژی مازاد در بدن فرد است که نمی‌تواند آن را در فعالیت‌های هدفدار استفاده کند. (خاکی و شعبانی، ۱۳۹۲: ۳۳)
با توجه به این نکته که بازی اساسی‌ترین فعالیت کودک است که هدف‌های گوناگونی را در بر دارد، این نظریه مورد قبول نیست.

نظریه پیش تمرین: این نظریه بازی کودک را رفتاری غریزی و نوعی آماده سازی برای آینده می‌داند. یعنی بازی کودک، شکلی از رفتار رشد یافته او در آینده است. (همان: ۳۴)

به نظر می‌رسد این نظریه نیز کامل نیست چرا که برخی بازی‌ها را نمی‌توان این چنین تحلیل کرد. مثل وقتی که اسب سواری کودکان که نمی‌توان گفت قطعاً کودک در آینده اسب سوار می‌شود.

نظریه تجدید تکامل: در این نظریه بازی عملی است فطری برای رهایی انسان از مهارت‌های بدوی و غیر ضروری که به صورت تجدید اعمال گذشتگان و اقوام خود انجام می‌دهند تا در آینده نیازی به اینگونه اعمال نداشته باشند. (کشاورز و قلی‌ها، ۱۳۹۱: ۱۰)

این نظریه نیز در تعریف خود دارای نواقصی است چراکه بسیاری بازی‌های کودکان هیچ تناسبی با سبک‌ها و اعمال گذشتگان آن‌ها ندارد. همچنین بازی در تمام مراحل زندگی یک انسان با اهداف متفاوت دنبال می‌شود و در برخی موارد ضروری نیز هست.

نظریه جبران: این نظریه «بازی را ناشی از لذتی که از طریق تخلیه تنش‌های مختلف کلامی و مادی در کودک حاصل می‌شود، می‌داند. این نظریه می‌تواند برخی بازی‌های رمزی را تبیین کند اما شامل انواع بازی‌ها نمی‌شود.» (همان: ۱۲)

نظریه استراحت و رفع خستگی: مطابق این نظریه هنگامی که فرد خسته است بازی می‌کند تا تجدید قوا و استراحت کند. (همان: ۹) به نظر می‌رسد این نظریه برای تبیین بازی کامل نیست چرا که بسیاری از بازی‌ها خستگی جسمی را برای فرد به همراه دارند و البته بازی‌ها صرفاً جنبه سرگرمی ندارد و بعضی از آن‌ها جنبه آموزشی و تربیتی دارند.

نظریه‌های دینامیک: این نظریه‌ها به محتوای بازی کودکان توجه ویژه دارند و بازی را تقویت کننده رشد فردی می‌دانند. مثل نظریه پیاژه که به بعد شناختی کودک توجه دارد یا نظریه فروید که به بعد عاطفی بازی پرداخته است. (عسکری زاده، ۱۳۹۰: ۵۴)

پیاژه معتقد است «بازی راهی برای دسترسی به جهان بیرون و لمس آن به گونه‌ای که با وضع کنونی فرد مطابقت کند. با این تعبیر بازی در رشد هوش کودک نقش حیاتی دارد.» پیاژه معتقد است کودک در حین بازی با درون سازی تجربه خود، سعی در رشد شناختی دارد.

فریود نیز بازی را فعالیتی تخلیه‌ای برای هیجان‌ات فرد می‌داند. او معتقد است کودک در حین بازی تعارضات پیش آمده برای خود را حل می‌کند و بدین سبب تجربه رویارویی با مشکلات و تعارضات را در آینده می‌یابد.

به نظر می‌رسد این نظریات نیز به وجوهی از بازی کودکان اشاره دارد و تعریف کاملی را ارائه نمی‌دهد. بنابراین به سراغ دیدگاه برخی اندیشمندان مسلمان می‌رویم تا بازی را از دیدگاه آنان بررسی کنیم.

خواجه نصیر الدین طوسی بازی را وسیله‌ای برای رفع خستگی از فعالیت‌های جدی می‌داند. او شرط بازی را آزادی عمل کودک می‌داند و معتقد است بازی وسیله‌ای برای بروز توانایی‌های کودک و برانگیختن شور و نشاط و تأمین سلامت جسم و روح اوست. (احمدوند، ۱۳۸۸: ۴۴۵)

از نظر خواجه نصیر بازی عاملی برای بروز استعدادها و توانایی‌های کودک است که شادی و نشاط او را نیز بر می‌انگیزد. این بازی با تولد کودک شروع می‌شود و با بزرگ شدن او شکل بازی تغییر می‌کند.

ابو علی سینا نیز سلب آزادی و جلوگیری از جنب و جوش و بازی کودک را زمینه‌ای برای افسردگی کودک می‌داند که سبب می‌شود میل و رغبت او به بازی از بین رفته و کودک بیمارگونه بزرگ شود. (همان: ۴۵)

ابوعلی سینا در خصوص آزادی کودک و تحرک او نیز نظریاتی را مطرح می‌سازد. او معتقد است در رشد جسمانی کودک هرگز نباید از فشار و تحمیل استفاده کرد و باید کودک را آزاد گذاشت. از نظر ابو علی سینا بازی یک فعالیت غریزی و طبیعی برای کودک است که با فطرت او مطابقت دارد و سبب رشد جسمی و روحی اوست. (کشاورز و قلی‌ها، ۱۳۹۱: ۲۳-۲۷)

حال که نظریات مطرح در خصوص تربیت و بازی را شناختیم، به سراغ متون اسلامی رفته و اصول حاکم بر تربیت کودک و چستی بازی کودکان را مطابق با آموزه‌های اسلامی تبیین می‌کنیم.

۴. اصول اسلامی حاکم بر تربیت کودکان

دین مبین اسلام در تلاش است انسان‌هایی را پروراند که از نظر همه کمالات و استعدادها، جامع همه عناصر و ابزار لازم و مانع نفوذ هر گونه عوامل خنثی کننده باشند. در این مسیر کودک نوپا و نورسته، آمادگی و استعداد پذیرش هرگونه آموزشی را دارد تا آنچه در وجود او نهاده شده، فعلیت یابد. بدین سبب اسلام برای تربیت کودکان ارزش و اهمیتی ویژه قائل است و در این خصوص دستوراتی دقیق ارائه نموده است.

از نظر اسلام «تربیت، کوشش برای ایجاد دگرگونی مطلوب در فرد و به کمال رساندن تدریجی و مداوم او است. به عبارت دیگر، تربیت به فعلیت رساندن استعدادها برای رسیدن به کمال و نیز مراقبت از انسان در مسیر رشد و سیر او به سوی کمال است.» (محمدی‌نویسی، ۱۳۸۶: ۳۳) چنانچه این استعدادها به شکوفایی و فعلیت نرسد، زندگی انسان بیهوده خواهد بود.

پیامبر گرامی اسلام در حدیثی انسان‌ها را به معادن تشبیه کرده و فرموده است: «الناس معادن كعادن الذهب و الفضه؛ مردم معدن‌هایی هستند همچون معادن طلا و نقره.» (مجلسی، ۱۳۶۸: ۱۲۱)

آنچه از این حدیث بر می‌آید، نیاز انسان به پرورش گوهرهای ذاتی و وجودی اوست تا ارزشمند گردیده و به کمال انسانی دست یابد. بنابراین «بافت انسان و قالب و تراش یک انسان مطلوب اسلام، چیزی است که با تربیت حاصل می‌شود.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: بیانات در دیدار با فرهنگیان)

بر این اساس تربیت کودک نیز به معنی شکوفا کردن استعداد‌های ذاتی و برآوردن حاجات و نیازهای اوست. نیازهای کودک فقط خوراک و پوشاک و محبت و ... نیست و استعداد‌های او فقط در خواندن و نوشتن و انباشتن حافظه خلاصه نمی‌شود، بلکه او استعداد تفکر (نتیجه‌گیری)، تعقل (اندازه‌گیری و سنجش)، انتخاب و اراده را هم دارد. (صفایی حائری، ۱۳۹۲: ۳۶-۴۷) پس والدین و مربیان کودکان باید توجه داشته باشند تا به‌صورت همه‌جانبه برای پرورش استعداد‌های کودکان تلاش کنند و در این مسیر به نیازها و اهداف انسانی توجه داشته باشند. تلاش ما در این بخش معرفی و تبیین اصول تربیتی اسلام برای کودکان است.

۱. اصل خردگرایی و تعقل

قرآن کریم بارها انسان را به خردگرایی و تعقل دعوت می‌کند و بسیاری از امور صرفاً به دلیل اینکه زمینه‌ساز تعقل هستند، توصیه شده‌اند. به‌طور کلی در هیچ‌یک از مراحل تربیت نمی‌توان عقل را نادیده گرفت؛ زیرا ملاک صحت و اعتبار هر فعالیتی، مطابقت آن با اصول عقلانی است. «منظور از تعقل، تفکر جهت‌دار است؛ یعنی تفکری که مبتنی بر مجموعه‌ای از قواعد و مقررات باشد و این مقررات، منطقی بودن و رسیدن به مقصود را تضمین و آن را از خیالات و اوهام مجزا کنند.» (عنان پور خیر آبادی، بی‌تا: وب‌سایت پژوهش‌های معنوی) پس «اساس تربیت صحیح، تعقل است که آدمی با تعقل آیات حق را درمی‌یابد و به کمالات الهی متصف می‌شود.» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲: ۱۸۴)

انسانیت انسان و ادراک او از عالم و پیوندی که با حق برقرار می‌کند به نحوه تفکر و تعقل او وابسته است. با تفکر است که استعداد‌های پنهان آدمی فعلیت می‌یابد و زمینه حرکت او به سمت کمال فراهم می‌شود. به همین سبب عقل به‌عنوان قوه تمیز دهنده بین خیر و شر، همچنین خطا و صواب، باید در سرتاسر جریان تربیت به‌عنوان یک اصل ضروری و اجتناب‌ناپذیر مدنظر قرار گیرد. (عنان پور خیر آبادی، همان)

«یکی از بارزترین صفات عقل برای انسان همین تمییز و جدا کردن است؛ جدا کردن سخن راست از سخن دروغ، سخن ضعیف از سخن قوی، سخن منطقی از سخن غیرمنطقی و خلاصه غربال کردن. عقل آن وقت برای انسان عقل است که به شکل غربال دربیاید، یعنی هر چه را که وارد می شود سبک سنگین کند، غربال کند، آن‌هایی را که به درد نمی خورد دور بریزد و به دردخورها را نگاه دارد.» (مطهری، ۱۳۷۳: ۳۸) بنابراین تربیت عقلانی باید انسان را به تشخیص درست برساند، به گونه‌ای که بتواند مصالح و مفاسد را به خوبی تمیز دهد و خیر و صلاح را برگزیند.

توانایی تعقل و تفکر تنها مختص بزرگسالان نیست، بلکه کودکان این توانایی را دارند. ذهن کودک همواره برای پاسخگویی به نیازهایش و فهمیدن معنا و مفهوم اعمال و پدیده‌ها در تلاش است. خدا کجا زندگی می کند؟ چه شکلی است؟ شاید بارها از زبان کودکان چنین سؤالاتی شنیده باشیم. این گونه سؤالات توانایی تفکر فلسفی و تعقل در کودکان را نشان می دهد. چنانچه این استعداد و توانایی ذاتی به درستی پرورش یابد، تا حد زیادی کودک را از گزند اشتباهات و انتخابات نادرست در آینده مصون می دارد. بنابراین در نظام تربیتی اسلام برای کودکان، تربیت عقلایی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و همواره باید مورد توجه قرار گیرد.

۲. اصل اعتدال و تناسب

راه و رسم اعتدال کوتاه‌ترین و استوارترین راه تربیت است، راهی که کتاب خدا و آیین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر آن بنا شده است. حضرت علی علیه السلام در این باره فرموده است: «الیمین و الشمال مضله و الطریق الوسطی هی الجاده علیها باقی الکتاب و آثار النبوه؛ و منها منفذ السنه و الیها مصیر العاقبه؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۶) انحراف به راست و چپ گمراهی است و راه مستقیم و میانه جاده وسیع حق است، کتاب خدا و آیین رسول همین

راه را توصیه می‌کند و سنت پیامبر نیز به همین راه اشاره می‌کند و سرانجام همین جاده ترازوی کردار همگان است و راه همه بدان منتهی می‌شود.» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲: ۱۵۴)

سلامت فرد و جامعه در گرو تربیتی متعادل و متناسب است، زیرا هر گونه انحراف از اعتدال و افراط و تفریط در صفات و اعمال و رفتار، انحراف از حق است. آفرینش انسان به گونه‌ای است که هرگونه بیرون شدن از مرزهای اعتدال و تناسب به او آسیب می‌رساند و از نظر تربیتی دچار توقف می‌شود. (همان)

سیر تربیت انسان امری تدریجی است و جز با رعایت تعادل و تناسب در توانایی‌ها و قدرت و استعداد افراد محقق نمی‌شود. ملاحظه تفاوت‌های فردی و اختلاف استعدادهای از مهم‌ترین اصول تربیت است. انسان‌ها از نظر طبیعی به هیچ‌وجه یکسان نیستند، بلکه از لوازم عالم حیات، اختلاف وجودی آن‌ها است که سبب دوام، بقا و رشد جامعه شده و از نشانه‌های قدرت خداوند است. در سوره نوح می‌خوانیم: «مالکم لاترجون الله وقارا و قد خلقکم اطوارا (سوره نوح/۱۳ و ۱۴)؛ شما را چه می‌شود که خدا را به بزرگی باور ندارید و حال آنکه شما را گوناگون (در مراحل و مراتب مختلف) آفریده است.» بنابراین باید در تمام مراحل تربیت، ویژگی‌ها و توانایی و استعداد افراد مدنظر باشد چراکه توقع بیش از اندازه و خارج از استعداد افراد، ممکن است آنان را وامانده کرده و از مسیر کمال خارج سازد.

والدین و مربیان کودک در مسیر تربیت، همواره باید با توجه به این اصل تلاش کنند تا استعدادهای و توانایی‌های کودکان را شناخته و به خود کودک نیز بشناسانند. رعایت اعتدال و تناسب در امر تربیت سبب می‌شود، کودک مطابق استعداد درونی و ساختمان فطری که خداوند در وجود او به ودیعه نهاده، برای تعالی و پیشرفت خود تلاش کند و در نتیجه حظی وافر و کامل از عمر خود ببیند و با سرعت و شتابی بیشتر به کمال نهایی راه یابد.

۳. اصل آزادی و پرهیز از اجبار

انگیزه و گرایش درونی انسان در تربیت دینی از اهمیت فراوانی برخوردار است. تلاش دین اسلام و پیشوایان دینی همواره بر این اصل متکی بوده است که ارزش‌ها و مفاهیم در افراد درونی شود و هرگز رنگی از اجبار را به خود نگیرد. چرا که افزایش خودآگاهی و گرایش درونی به ارزش‌های دینی، دین‌باوری و پیروی از دستورات دینی را افزون می‌کند.

آیین تربیت در اسلام بر اختیار و انتخاب فرد و پرهیز از اجبار بنا شده است، زیرا دین اسلام، آیینی است متعادل که بر فطرت آدمی (سوره روم/۳۰) استوار شده است و سختی‌های ظاهری آن نیز به دلیل آنکه با فطرت هماهنگ و سازگار است، در ذائقه جان آدمی شیرین و گواراست و همین موجب می‌شود که صفات الهی و خصلت‌های نیک به راحتی در فرد درونی شود. بنابراین راه و رسم آیین تربیت دینی تنها بر قدرت انتخاب و آزادی افراد بنا شده است و از خشونت و تندی به دور است.

آنچه از مفهوم آزادی در تربیت دینی کودکان مدنظر است پرهیز از هرگونه اجبار و فشار آوردن به کودک برای انجام کاری است که از توان و قدرت او خارج است و درک و علاقه‌ای نسبت به آن ندارد. پس کودک نباید مقهور و مورد خشم و غضب والدین و اطرافیان قرار گیرد. البته این سخن به این معنا نیست که کودک کاملاً رها باشد و به هر کاری دست بزند و غیرمستقیم تحت کنترل نباشد. بلکه بدین معناست که اموری به او محول نشود که انجام آن از عهده و توان او خارج باشد. (فاضلی، ۱۳۷۴: ۷۸۱) در این دوره هر قدر به کودک در فعالیت‌ها و تلاش‌های کنجکاوانه آزادی بیشتری داده شود، به قوه ابتکار و خلاقیت او افزوده می‌شود. (صانعی، ۱۳۷۸: ۳۲۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی می‌فرمایند: «خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را بر انجام کار نیک یاری دهد. سؤال شد که والدین چگونه این کار را انجام دهند؟ حضرت

فرمود: آنچه را در حد توانایی‌اش انجام می‌دهد، بپذیرند (بیش از توانمندی وی از او انتظار نداشته باشند) و از آنچه برای کودک دشوار است، صرف‌نظر کنند.» (حر عاملی، ۱۳۷۳: ۱۷۹)

همان‌طور که بیان شد، این اصل تربیتی در دین اسلام بسیار مورد تأکید بوده است و باید مورد توجه والدین و مربیان قرار گیرد.

۴. اصل شرافت و کرامت انسانی

در قرآن کریم، شرافت و کرامت انسان را به‌راحتی می‌توان از تشریح جریان خلقت حضرت آدم 7 و فرمان سجده ملائکه در مقابل ایشان و اعطای مقام جانشینی خدا در روی زمین دریافت. انسان که این‌چنین از سوی خالق، مورد احترام و تکریم قرار گرفته، در جریان تربیت نیز باید همواره مورد تکریم باشد و از تعیین هرگونه هدف و روشی که منافی با این کرامت و شأن‌الای اعطایی از سوی خداوند باشد، اجتناب کند. (عنان پور خیر آبادی، همان)

در جریان تربیت انسانی اصل کرامت باید مورد توجه قرار گیرد تا فرد به کمال نهایی یعنی رسیدن به مقام قرب الهی رهنمون شود. خداوند در سوره مبارکه اسراء درباره کرامت انسان در جهان خلقت و علائم کرامت وی چنین می‌فرماید: «و لقد کرّمنا بنی آدم و حملنا هم فی ألب و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفصیلاً» (سوره اسراء / ۷۰)؛ ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آن‌ها را به مرکب بر و بحر سوار کردیم (جهان جسم و جان را مسخر ایشان ساختیم) و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آن‌ها را روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بزرگ بخشیدیم.»

بهترین و استوارترین اساس برای تربیت، کرامت انسان‌ها و دوری از حقارت نفس است. انسان به سبب کرامت ذاتی‌اش تن به حقارت و ذلت نمی‌دهد. دنیا در چشم انسان

حقیر بزرگ می‌نماید و چنین انسانی تسلیم دنیا می‌شود؛ و دنیا در چشم انسان کریم خرد می‌نماید و چنین انسانی هرگز دل به دنیا نمی‌بندد. انسان به میزانی که پست و حقیر می‌شود، به پستی‌ها و حقارت‌ها میل می‌کند، از این رو بهترین راه دور کردن انسان از امور پست سیر دادن او به امور والا و کرامت بخشیدن به اوست. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲: ۲۲۱-۲۲۶)

اسلام به حفظ و رشد کرامت‌های انسانی از دوران کودکی بسیار تأکید کرده است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «اکرموا اولادکم و احسنوا آدابکم (متقی، بی‌تا: ۴۵۶)؛ فرزندان خود را کرامت کنید و با آداب نیکو با آن‌ها معاشرت نمایید.» از نظر ایشان اگر کودک کرامت ببیند و شخصیت حقیقی‌اش احترام شود، از پستی و فرومایگی دور می‌شود و به اعتلای روحی می‌رسد و با فضیلت می‌گردد. در حدیثی از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم: «وقتی نام فرزندان را می‌برید او را گرمی بدارید و در مجلس خود برای او جای باز کنید و احترامش نمایید و نسبت به او رو ترش نکنید.» (شعیری، بی‌تا: ۱۲۴) همه این تأکیدات برای آن است که بذر فضیلت در زمین کرامت و بذر ذالت در زمین خواری و ذلت رشد می‌کند.

بدین ترتیب اگر بذر کرامت و شرافت انسانی در نهاد کودک فعلیت یابد می‌تواند او را در تمام عمر از آلودگی به رذایل و بدی‌ها ایمن سازد.

۵. کمال‌جویی

میل به رشد و کمال، میل اصیلی است که انسان همواره برای دستیابی به آن در تلاش است. اهمیت این اصل تا بدان جاست که در صورت فراموشی، نظام تربیت اسلامی از مسیر هدایت خود باز خواهد ماند.

«در تربیت اسلامی، انسان همواره در حال تلاش و تکاپو به سوی هدفی است که خداوند از خلقت انسان اراده کرده است. هدف مذکور، «گاه به عنوان هدایت و رشد و گاه به عنوان قرب و رضوان و گاه طهارت و حیات طیبه، تقوی و عبادت و عبودیت معرفی شده است.» (باقری، ۱۳۸۲: ۵۹-۶۴) رسیدن به این هدف آرمانی، مظهر رشد و کمال در انسان است؛ لذا هر امر و فعالیتی تنها در صورتی با ارزش است که به انسان در طی این طریق کمک کند و او را در برداشتن گام‌هایی چند در رسیدن به این مقصود یاری رساند. این اصل در تعیین اهداف و روش‌های تربیتی، نقش محوری و کانونی را ایفا می‌کند و ملاک انتخاب است.» (عنان پور خیر آبادی، همان)

در سوره مبارکه انشقاق، می‌خوانیم: «یا ایها الانسان إنک کادح الی ربک کدحا فملاقیه (انشقاق/۸۴)؛ ای انسان، تو در راه پروردگارت تلاش می‌کنی و بالاخره او را دیدار خواهی کرد.» در این آیه مقصد تلاش و فعالیت انسان، ملاقات پروردگار، معرفی شده است.

کودکان فطرتاً کمالات و ارزش‌های انسانی را دوست دارند. والدین و مربیان کودک باید توجه داشته باشند با هدایت این ارزش در کودکان، آن‌ها را به سوی کمال حقیقی انسان هدایت کنند. در روایتی آمده است که روزی امام حسن ۷ فرزندان خود و فرزندان برادر خود را دعوت کرده و به آنان فرمود: «همه شما کودکان اجتماع امروز هستید و امید می‌رود که بزرگان جامعه فردا باشید، دانش بیاموزید و در کسب علم کوشش کنید، هرکدام که نمی‌توانید در مجلس درس مطالب استاد را حفظ کنید آن‌ها را بنویسید و نوشته‌ها را در منزل نگهداری نمایید تا در موقع لزوم مراجعه کنید.» (شهید ثانی، ۱۳۷۶: ۳۴۰) این روایت نشان‌دهنده تلاش پیشوایان دینی برای هدایت کودکان به کمال حقیقی متناسب با توانایی‌های آنان است که از نظر اسلام بسیار مورد تأکید است.

عمر تربیت اجتماعی

انسان موجودی اجتماعی است و برای رفع نیازهای خود ناگزیر است با محیط پیرامون خود ارتباط برقرار کند. پیچیدگی هویت فردی و اجتماعی انسان این ارتباط را با مشکلاتی مواجه می‌سازد. انسان اجتماعی باید بتواند برای حل مسائل خود بهترین راه را بیابد و به آن عمل کند.

یکی از راه‌های تربیت اجتماعی فرزندان، فراهم کردن زمینه پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی و نقش‌آفرینی آنان در جامعه است تا خود را در موقعیت جدید محک بزنند و پایه‌های یک شخصیت سالم در ایشان شکل بگیرد. (اکبری، ۱۳۸۸: ۴۴)

تربیت اجتماعی از ابعاد مهم تربیت در نظام اسلامی است. مطالعات نشان می‌دهد که «اجتماعی شدن» ارتباط تفکیک‌ناپذیری با «تربیت» دارد؛ هر دو اصطلاح نوعی از تلاش فعالانه در زندگی کودک را نشان می‌دهند که عوامل اجتماعی، نقش مهمی را در آن ایفا می‌کند. (حسنی، ۱۳۷۸: ۷۵) در واقع تربیت، فرایندی مستمر است که در بستر جامعه شکل می‌گیرد. بدین معنا که ابعاد اساسی هویت کودک در تعامل با دیگران و از طریق روابط گروهی شکل می‌گیرد. بر این اساس تربیت اجتماعی (یا همان اجتماعی شدن) یکی از ارکان و ابعاد اساسی تربیت را تشکیل می‌دهد. «اساساً تربیت اجتماعی که به مفهوم تحول درونی در تمامی موضوعات اجتماعی است. نقش مهمی در کارکرد فرد در جامعه دارد و به واسطه آن، آدمی در طول حیات خویش عناصر اجتماعی و فرهنگی محیط خود را به شکل خودآگاه و یا ناخودآگاه درونی می‌کند.» (موسوی، بی‌تا: وب سایت پژوهش‌های معنوی)

مقصود از تربیت اجتماعی، پرورش جنبه‌هایی از شخصیت کودک است که مربوط به زندگی اجتماعی اوست تا از این طریق حقوق، وظایف و مسئولیت‌های خود را بشناسد و آگاهانه برای عمل به آن وظایف و مسئولیت‌ها تلاش کند. به تعبیری دیگر، می‌توان

تربیت اجتماعی کودکان را آموختن راه و رسم زندگی با دیگران و سپس پرورش روحیه تعهد و التزام عملی به انجام وظایف خویش دانست.

این مقوله در نگاه اسلام به تربیت نیز، بسیار حائز اهمیت است. از دیدگاه امام علی علیه السلام مسلمانان در جامعه اسلامی با یکدیگر برادر بوده و میان آنها حقوق و تکالیفی وجود دارد. «و لاخیک علیک مثل الذی لک علیه؛ هر حقی تو به گردن برادرت داری، او هم بر گردن تو دارد.» (حرانی، ۱۳۵۴: ۹۲) اسلام عموم مسلمانان جهان را یک جامعه و امت می‌داند و هر یک از مسلمانان در این جامعه بزرگ اسلامی به منزله عضوی از پیکره اسلام محسوب می‌شوند. «ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون.» (سوره انبیاء ۱۰/)

بنابراین از اساسی‌ترین اصول تربیت اسلام برای کودکان، تلاش برای تربیت اجتماعی آنهاست تا از همان کودکی حقوق و وظایف خود را نسبت به جامعه بشناسند و در تمام عمر خود متعهدانه به آن عمل کنند.

تا اینجا اصول حاکم بر تربیت کودک از منظر دین اسلام مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه با معرفی بازی مطابق با آموزه‌های اسلامی به شناخت دقیقی از تأثیرات بازی بر کودکان دست خواهیم یافت.

۵. چپستی بازی مطابق با آموزه‌های اسلامی

یکی از روش‌های مؤثر و مفید برای تربیت کودکان در سالهای ابتدایی زندگی آنها، بهره‌گیری از فعالیت‌های مختلفی است که در قالب بازی تدارک دیده می‌شود. جایگاه مهم بازی و نقش اساسی آن در تکوین شخصیت و رشد و تکامل کودکان سبب شده تا دین مبین اسلام توجه ویژه‌ای به آن داشته باشد. در ادامه چپستی بازی کودکان از دیدگاه اسلام تشریح خواهد شد.

مطابق اصول انسان شناسانه و معرفت شناسانه^۱ اسلامی می‌توان گفت «بازی عبارت است از فعالیتی هدایت شده و هدفمند، که به صورت آزاد و لذت بخش انجام می‌گیرد و از طریق آن توانایی‌ها و استعدادها، احساسات و عواطف کودک با کسب مراتبی از شناخت بروز و ظهور می‌یابد. طی این جریان، شکل‌گیری هویت و تربیت کودک در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی متناظر با ساحت‌های مختلف، ضمن حفظ کرامت و توجه به محدودیت‌ها، به صورت عادلانه صورت می‌گیرد.» (کشاوری و قلی‌ها، ۱۳۹۱: ۸۴) مطابق این تعریف بازی متناظر با آموزه‌های اسلامی، فعالیتی مجهز به ویژگی‌های زیر است:

۱. هدایت شده و هدفمند

بازی یک نیاز طبیعی و جزئی از ذات کودک است. بازی اساسی‌ترین فعالیت کودک است که به غیر از سرگرمی، کارکردهای دیگری نیز دارد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین کارکرد بازی، کارکرد تربیتی است.

تربیت از راه آموزش به دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌شود که طبیعتاً تربیت از طریق غیرمستقیم تأثیرگذارتر است و بر شیوه اول به مراتب ارجحیت دارد. بهترین جلوه تربیت به روش غیرمستقیم استفاده از بازی است. این مهم نشان می‌دهد که بازی کودکان نیازمند هدایتگری و هدف‌گذاری از سوی بزرگ‌ترها است. بدین معنا که؛ چون از یک سو بازی برای کودک جنبه تفریح و سرگرمی دارد و از طرفی بهترین شیوه تربیتی برای کودکان استفاده از بازی است، پس متولیان امر تربیت کودک باید با هدایت کودک به بازی‌های با اهداف مشخص موجبات رشد همه‌جانبه او را فراهم آورند.

۱. برای مطالعه این اصول رجوع شود به سوسن کشاوری و فاطمه قلی‌ها، تبیین فلسفه بازی، تهران، نشر مدرسه.

۲. آزاد

بازی یک فعالیت آزاد است که یادگیری و رشد همه‌جانبه استعدادها را برای کودک به ارمغان می‌آورد. روانشناسان معتقدند در فعالیت‌های آزاد و خودجوش، کودک باید آزاد گذاشته شود و دخالت بی‌توقع و نامناسب در فعالیت‌های او نگردد تا استقلال و خودمختاری او سلب نشود. والدین نباید تعیین‌کننده‌ی نوع و شیوه‌ی بازی باشند بلکه بهتر است شرایط سالم بازی را فراهم و خود به‌عنوان همبازی شرکت کنند و اجازه دهند تا کودک با قدرت خلاقیت خود بازی را اداره کند.

این آزادی برای کودک یک امر ضروری است که موجب می‌شود کودک برای رفع دشواری‌ها و محدودیت‌های خود تلاش کند و نیازهای خود را برآورده سازد و عرصه حیات و رشد خود را وسیع‌تر کند. (قائمی، ۱۳۷۰: ۳۸۲)

۳. در جهت ظهور عواطف و احساسات کودک

بازی یکی از جنبه‌های وجودی کودک است که از طریق آن درونیات خود را بروز و ظهور می‌دهد. بازی کودکان در حکم آینه‌ای است که روحیات، استعدادها و زمینه‌های روانی کودک را نشان می‌دهد و در شناخت کودکان باید از آن استفاده کرد. کودکان نمی‌توانند آنچه را که فکر می‌کنند و می‌بینند، شرح دهند. بازی اطفال به ما کمک می‌کند تا زبان آن‌ها را بهتر بفهمیم. اگر بتوانیم بازی کودکان را درک کنیم، مسلماً قادر خواهیم بود که افکار و عواطف آن‌ها را بشناسیم. (بهروز نیا، ۱۳۸۶: ۷۸-۸۰) کودکان در حین بازی علاقه و احساس خود را نسبت به مسائل مختلف و آنچه در جهان خارج آن‌ها وجود دارد، مانند رفتارها، وسائل و حتی رنگ‌ها را نشان می‌دهند. بازی کردن، مؤثرترین راه ایجاد ارتباط با کودکان است. کودکان از بازی لذت می‌برند و بسیاری از احساس‌ها و رؤیاهای خود را در حین بازی بروز می‌دهند و از این طریق استعدادها و لیاقت‌هایشان را آشکار می‌سازند.

۴. در جهت ظهور توانایی‌ها و استعدادها

اگر به نوع بازی‌های کودکان نگاه کنیم تنوع و گوناگونی را در آن‌ها مشاهده می‌کنیم. با تغییر سن کودکان نوع بازی‌های آن‌ها نیز تغییر می‌یابد.

کودکان آنچه را که به‌عنوان الگو پیرامون خود می‌بینند در بازی‌های خود انجام می‌دهند. مثلاً برخی از بازی‌ها، بازی‌هایی هستند که در آن‌ها کودک به تمرین روابط و نقش‌های اجتماعی می‌پردازد. در برخی دیگر از بازی‌ها کودک به تمرین حرفه و مشاغل مختلف می‌پردازد. برخی دیگر از بازی‌ها خیالی هستند که تحت تأثیر قدرت تخیل کودک شکل می‌گیرند. این نوع بازی‌ها ممکن است تحت تأثیر تماشای برخی فیلم‌ها و کارتون‌ها، رنگ و بوی خاصی پیدا کند. بازی‌های دیگر از نوع بازی‌های فکری هستند و در آن‌ها کودک به رشد فکری و ذهنی خود می‌پردازد. این نوع بازی‌ها با رشد شناختی و فکری کودک در خصوص توانایی‌ها و استعدادهایش مرتبط هستند. بازی‌های دیگر جنبه تمرینات جسمانی و ورزشی دارند. کودک به دلیل انرژی سرشار خود با جست و خیز ساده یا بازی‌های جسمانی پیچیده‌تر سرگرم می‌شود. (مطهری، ۱۳۸۰: ۸۴-۹۰)

بنابراین توجه به نوع بازی و موضوع آن موجب تقویت استعدادها و توانایی‌های کودکان در موضوعات گوناگون می‌شود.

۵. در جهت حفظ کرامت کودک

گوهر کرامت انسانی در دوران زیر هفت سال درخشان‌تر از هر دوران دیگری در طول عمر است که والدین با بسترسازی مناسب در محیط منزل راه را برای رسیدن کودک به این گوهر درونی هموار می‌کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «کسی که کودکی نزد خود دارد باید با او کودکی کند.» (شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ۴۸۳) این توجه ویژه به کودکان که در روایات متعددی مورد تأکید قرار گرفته است نشان‌دهنده ارزش و اهمیتی است که

دین اسلام برای شخصیت دادن و ارزش بخشیدن و حفظ کرامت انسانی کودکان، قائل است. بنابراین بازی کودک باید به گونه‌ای انتخاب شود که تکریم کننده شخصیت او بوده و حس عزت و شرافت انسانی را در او تقویت کند.

۶. شکل‌دهنده شخصیت و هویت کودک

در تربیت‌های قدیم عموماً بازی را ضایع کننده وقت کودک می‌دانستند و کودکان را از بازی منع می‌کردند. اما امروزه بازی کودکان مهم‌ترین عامل رشد و تکامل کودک و بهترین اهرم برای یادگیری کودکان به شمار می‌رود. رفتار و گفتار کودکان در حین بازی حاکی از طرز فکر و روحیه و نشان‌دهنده شخصیت روانی کودک است. (کریمی نیا، ۱۳۷۸: ۱۴۷)

بازی می‌تواند نقش بسیار مثبتی در رشد روانی، هیجانی و بهزیستی کودک داشته باشد. به‌طور مثال کنجکاوی شدید کودک می‌تواند از طریق بازی ارضا شود و فرصتی مناسب به او بدهد تا هوش خود را تقویت نماید و موجب رشد و شکوفایی شخصیت کودک گردد.

۷. در جهت شناخت و افزایش آگاهی و معرفت کودک

آشنا کردن کودکان با بازی یکی از عواملی است که در رشد شناختی کودک تأثیر داشته و آن را تسهیل می‌کند. (بهشتی و دیگران، ۱۳۸۶: ۵۲) بازی به کودک کمک می‌کند که نیروهای ذهنی خود را به کار اندازد و محیط خود را از جهات گوناگون بشناسد. از نظر پیاژه نیز بازی اصلی‌ترین عامل رشد شناختی کودک است. (بهشتی و منطقی، ۱۳۹۰: ۹۳) باید توجه کرد که بازی برای کودک لذت‌بخش باشد تا بتواند بهترین محمل برای یادگیری و شناخت او باشد.

بازی کردن برای کودکان بهترین شیوه طبیعی یادگیری و از «پاک‌ترین روش‌های فکری در دسترس» است. (انگجی و عسگری، ۱۳۸۵: ۲۵) بنابراین کودک در ضمن بازی یاد می‌گیرد بین واقعیت و خیال فرق بگذارد و این مهم‌ترین عامل برای درک و شناخت محیط پیرامون او است. (شعاری نژاد، ۱۳۷۵: ۹۸)

۸. در جهت رشد فردی و اجتماعی کودک

بازی معمولاً یک امر اجتماعی است و «یکی از هدف‌ها و بازده‌های آن ایجاد حس دوستی و معاشرت با دیگران است یعنی در حقیقت بازی، سازنده انسان اجتماعی است.» (مهجور، ۱۳۷۲: ۷۶-۷۹)

قرار گرفتن کودک در گروه‌های اجتماعی برای بازی کردن، به کودک قوانین اجتماعی و رعایت حقوق دیگران را می‌آموزد. در این میان، کودک برای قرار گرفتن در گروه باید مهارت‌های ارتباطی خود را نیز تقویت کند تا مراحل دوست‌یابی را به‌درستی انجام دهد و تعامل مناسبی با گروه دوستان خود داشته باشد. از طرفی بازی‌های گروهی موجب می‌شود تا کودک نقش و وظایف خود را در گروه بیاموزد و برای تعامل بهتر به آن‌ها پایبند باشد. در نتیجه بازی کردن به صورت فردی یا گروهی، رشد جنبه‌های فردی و اجتماعی کودکان را در پی دارد. (بهشتی و منطقی، ۱۳۹۰: ۹۴ و ۱۰۸)

۹. در جهت پرورش خلاقیت کودک

یکی از منابع شناخت، قوه خیال است. «پرورش قوه خیال در رشد خلاقیت کودک مؤثر است.» (سادات، ۱۳۸۹: ۴۲) متولیان امر تربیت کودک و والدین باید وسایل و ابزارهایی را در اختیار کودکان بگذارند تا با دست ورزی و تفکر خلاق، به بازی پردازند. این بازی‌ها می‌تواند رشد خلاقیت کودک را تسریع بخشد. بازی‌هایی مانند خاک‌بازی، خمیربازی و گل‌بازی، خانه‌سازی، پازل و جورچین و... با درگیر کردن دست کودک با قوه

تخیل او، سبب می‌شوند کودک یک شیء جدید بسازد و از مشاهده محصول خلاقانه خود لذت ببرد. (کشاورز و قلی‌ها، ۱۳۹۱: ۱۱۵)

الهه محمد اسماعیل در کتاب خود می‌نویسد: «گِل وسیله‌ای سه‌بعدی است. این وسیله بیش از رنگ کردن و نقاشی کردن که دو بعد هستند؛ آزادی و خلاقیت نیز دارد. در کاربرد گِل کودک آزاد است که شکل‌های واقعی، خیالی یا سمبلیک بسازد.» (محمد اسماعیل، ۱۳۷۸: ۸۸)

۱۰. خردورزی

امروزه این اعتقاد وجود دارد که رشد ذهنی همانند رشد جسمانی نیازمند تغذیه و پرورش مناسب است. (سادات، همان) تعقل و خردورزی یکی از پایه‌های اصلی در شناخت و آگاهی انسان است که در بازی به راحتی قابل حصول است. بنابراین والدین و مربیان باید تلاش کنند کودک را با بازی‌هایی مواجه سازند که برای او ایجاد مسئله کند و او را به تفکر خلاق وا دارد.

بحث فلسفه برای کودکان موضوعی است که اخیراً در محافل علمی مورد بررسی قرار می‌گیرد. با اشاره به اصل خردورزی در بازی کودکان، باید گفت که فلسفه برای کودکان یکی از ضروریات است که با طرح سؤال در موضوعات گوناگون، موجبات رشد عقلی آن‌ها را فراهم می‌سازد.

۱۱. تناسب‌گری

بازی کودکان باید متناسب با سن، شخصیت، هوش و استعداد و توانایی‌های آن‌ها باشد. احساس ناخوشایند ناکامی و سرخوردگی در بازی‌هایی که با ویژگی‌های کودک تناسب ندارد، موجب انزوای شخصیتی کودک و یا بعضاً تأخیر در رشد کودک می‌گردد. (کشاورز و قلی‌ها، ۱۳۹۱: ۱۰۷)

والدین و مربیان باید با شناسایی نقاط ضعف و قوت، هوش و استعداد و توانایی‌های کودک، بازی‌هایی متناسب با شرایط او در اختیارش قرار دهند تا از طریق آن‌ها به رفع نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت خود بپردازد. بازی متناسب و متناظر با کودک می‌تواند به‌صورت تدریجی و در بازه‌های زمانی مختلف به تکوین و تعالی شخصیت وجودی کودک بپردازد.

۶. سازو کار تربیتی اسلام برای کودکان

همان‌طور که قبلاً بیان شد، بهترین دوران تربیت بشر، دوران کودکی است چرا که سنگ بنای شخصیت انسان در این دوران شکل گرفته و زمینه مساعدی برای یادگیری در او وجود دارد. اسلام برای تربیت انسان‌ها مجموعه قواعد و دستورالعمل‌هایی دارد که اجمالاً در قالب اصول حاکم بر تربیت کودک مورد بررسی قرار گرفت. با کمی دقت و تأمل در می‌یابیم که اصول مورد نظر به‌طور صریح و دقیق با چپستی بازی کودکان از نظر اسلام تناظر و تباین دارد. این مهم ما را به یک اصل مسلم و قطعی که مورد اشاره متون دینی نیز قرار گرفته، رهنمون می‌کند: بازی بهترین و مهم‌ترین مکانیزم تربیتی برای کودکان است. در واقع بازی بهترین موقعیت‌های تربیتی را برای پرورش استعدادها و به فعلیت رساندن توانایی‌ها و رفع نیازهای کودک فراهم می‌کند. والدین و مربیان کودک می‌توانند نیاز طبیعی کودک به بازی را محملی برای رشد و تعالی همه ابعاد وجودی او قرار دهند و او را به‌سوی رشد همه‌جانبه روحی، جسمی، اخلاقی، عاطفی و اجتماعی رهنمون سازند.

۷. نتیجه‌گیری

آنچه گفته شد؛ اصل خرد گرایی و تعقل، اعتدال و تناسب، آزادی و پرهیز از اجبار، شرافت و کرامت انسانی، کمال جویی و تربیت اجتماعی از اصول اساسی اسلام برای تربیت کودکان هستند. مطابق با آموزه‌های اسلامی بهترین سازو کار و روش تربیت کودک، بهره‌گیری از بازی است چرا که بازی کودکان مجهز به ویژگی‌هایی نظیر شکل دهنده هویت و شخصیت کودک، هدایت شده و هدفمند، آزاد، پرورش دهنده خلاقیت، خردورز و تناسب‌گر است و کودک را در جهت ظهور عواطف و احساسات، توانایی‌ها و استعدادها، حفظ کرامت، شناخت و افزایش آگاهی و معرفت کودک و رشد فردی و اجتماعی او یاری می‌دهد. تناظر این ویژگی‌ها با اصول تربیت ما را به این نکته رهنمون می‌کند که والدین، مربیان و متولیان امر تربیت کودک باید توجه و عنایت ویژه‌ای به شکل و نوع و ساختارهای بازی کودکان داشته باشند.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه
۱. ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، نسخه دیجیتال کتابخانه امام علی 7، جلد ۲۰.
 ۲. احمدوند، محمد علی، روان شناسی بازی، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۸.
 ۳. اکبری، مهرنوش، یادگیری از طریق بازی، مجله پیام زن، شماره ۲۱۲، آبان ماه ۱۳۸۸.
 ۴. انگجی، لیلا و عسگری، عزیزه، بازی و تأثیر آن در رشد کودک، چاپ سوم، تهران، طراحان ایماز، ۱۳۸۵.
 ۵. باقری، خسرو، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش، مجله نوآوری‌های آموزشی، دوره دوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۸۲.
 ۶. برومند، سید مهدی، شیوه‌های تعلیم در قرآن و سنت، قم، کتاب مبین، ۱۳۸۰.
 ۷. بهروز نیا، پروین، نقش بازی در تعلیم و تربیت کودکان، مجله پیام زن، شماره ۱۸۱، فروردین ۱۳۸۶.
 ۸. بهشتی، سعید و منطقی، یگانه، بررسی نقش بازی در تربیت کودک از دیدگاه قرآن و سنت معصومین، مجله اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره هفتم، شماره سوم، ۱۳۹۰.
 ۹. بهشتی، محمد و دیگران، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم تربیت و مبانی آن، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶، جلد دوم.
 ۱۰. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، چاپ اول، تهران، نشر جاودان، ۱۳۷۴.
 ۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، آل البیت، جلد ۱۵، ۱۳۷۳.
 ۱۲. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ترجمه احمد عطائی جنتی، تهران، علمیه اسلامی، ۱۳۵۴.
 ۱۳. حسنی، محمد ابراهیم، روش‌های تربیت اسلامی در پرتو قرآن و نهج البلاغه، مجله کوثر، شماره ۷۵، ۱۳۸۷.
 ۱۴. خاکی، احمد و شعبانی، عباس، نقش بازی در رشد کودکان، چاپ اول، انتشارات حتمی، ۱۳۹۲.
 ۱۵. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، ۱۷/۲/۱۳۹۳، وب سایت khamenei.ir.
 ۱۶. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، اصفهان، نسخه دیجیتال نرم افزار عروج، ۱۳۸۲.
 ۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه مفردات الفاظ قرآن، چاپ سوم، تهران، نشر مکتبه المرتضویه، ۱۳۸۳.
 ۱۸. سادات، محمد علی، راهنمای پدران و مادران (شیوه‌های برخورد با کودکان)، چاپ دوم، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹، جلد دوم.
 ۱۹. شریعتمداری، علی، اصول تعلیم و تربیت، چاپ ۲۳، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.
 ۲۰. شعاری نژاد، علی اکبر، مبانی روان شناختی تربیت، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.
 ۲۱. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، چاپ اول، نجف، مطبعه الحیدریه، بی‌تا.

۲۲. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ترجمه محمد جواد غفاری، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵، جلد سوم.
۲۳. صناعی، سید مهدی، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، بی‌جا، نشر سناباد، ۱۳۷۸.
۲۴. صفایی حائری، علی، تربیت کودک، چاپ ششم، قم، لیله القدر، ۱۳۹۲.
۲۵. طهماسبی، احمد، این‌گونه تربیت کنیم، چاپ دوم، قم، نشر یاقوت، ۱۳۹۲.
۲۶. عاملی، شیخ زین الدین (معروف به شهید ثانی)، منیه المرید، ۱۳۷۶.
۲۷. عسکری زاده، قاسم، روان شناسی بازی، چاپ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۰.
۲۸. عنان پور خیر آبادی، مجید، تأثیر فضای مجازی بر تعلیم و تربیت اسلامی، وب سایت پژوهش‌های معنوی، پژوهشکده باقرالعلوم، بی‌تا، تاریخ مراجعه ۲۹/۹/۱۳۹۴.
۲۹. فاضلی، مهسا، اصول و مراحل تربیت دینی کودکان با تأکید بر سخنان و سیره رسول خدا، مجله معرفت، شماره ۱۶۰، فروردین ۱۳۹۰.
۳۰. قائمی، علی، نقش مادر در تربیت، چاپ هفتم، تهران، نشر امیری، ۱۳۷۰.
۳۱. کریمی نیا، محمدعلی، الگوهای تربیت کودکان، چاپ اول، قم، نشر پیام مهدی، ۱۳۸۷.
۳۲. کشاورز، سوسن و قلی‌ها، فاطمه، تبیین فلسفه بازی در تربیت سازگار با آموزه‌های انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی اسلام، چاپ اول، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۹۱.
۳۳. کلینی، محمدبن یعقوب، روضه الکافی، ترجمه رسول هاشمی محلاتی، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، ۱۳۶۴، جلد اول (نسخه الکترونیکی).
۳۴. کوثری، مسعود، عصر بازی (بازی‌های ویدئویی و رایانه‌ای در جامعه معاصر)، چاپ اول، تهران، دریاچه نو، ۱۳۸۹.
۳۵. متقی، علی بن حسان الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، چاپ پنجم، بیروت، موسسه الرساله، بی‌تا.
۳۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، لبنان، نشر وفاء، ۱۳۶۸، جلد ۶۴.
۳۷. محمد اسماعیل، الهه، بازی درمانی، تهران، نشر دانژه، ۱۳۸۷.
۳۸. محمدی نویسی، فاطمه، تربیت کودک از نگاه نبوی، فرهنگ کوثر، شماره ۷۲، زمستان ۱۳۸۶.
۳۹. مطهری، محمد رضا، انواع بازی‌های و نقش آنها در رشد شخصیت کودک، مجله پیام زن، شماره ۱۱۴، شهریور ۱۳۸۰.
۴۰. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ ۲۳، تهران، صدرا، ۱۳۷۳.
۴۱. مهبجور، سیامک رضا، روان شناسی بازی، چاپ دوم، تهران، نشر راهگشا، ۱۳۷۲.
۴۲. موسوی، ستاره، روش‌های تربیت اجتماعی در نهج البلاغه و ارائه الگویی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات، وب سایت پژوهش‌های معنوی، تاریخ مراجعه ۲۰/۹/۱۳۹۴.